



## چگونه بنیانگذار دانشگاه تشیع باعث پیشتازی شیعه شد؟

شیعه ما، کسی است که وقتی مؤمنی را دیدار کند، احترام و اکرام می‌کند، اگر با نادان ملاقات کند، او را ترک می‌کند، شیعیان ما آنانند که تملق و طمع سگان و کلاغان را ندارند و جز از «برادران» خود، از کسی چیزی درخواست نمی‌کنند، هرچند از گرسنگی بمیرند...

شیعه ما، کسی است که وقتی مؤمنی را دیدار کند، احترام و اکرام می‌کند، اگر با نادان ملاقات کند، او را ترک می‌کند، شیعیان ما آنانند که تملق و طمع سگان و کلاغان را ندارند و جز از «برادران» خود، از کسی چیزی درخواست نمی‌کنند، هرچند از گرسنگی بمیرند...

«از شیعیان، کسی دوست خدا و رسول است که وقتی سخن می‌گوید، راست بگوید، هرگاه وعده می‌دهد، وفا کند، آنگاه که امانتی بپذیرد (و امین شمرده شود) ادا کند، هرگاه که حق واجب را از او بخواهند، بپردازد، وقتی به حق فرمان می‌دهد، خودش هم عمل کند، شیعیان ما آنانند که علمشان بیش از شنوایی‌شان نمی‌شود، شیعیان ما آنانند که عیب جویان ما را نمی‌ستایند، با دشمنان ما پیوند برقرار نمی‌کنند و با خائنان به ما، نشست و برخاست نمی‌کنند.

شیعه ما، کسی است که وقتی مؤمنی را دیدار کند، احترام و اکرام می‌کند، اگر با نادان ملاقات کند، او را ترک می‌کند، شیعیان ما آنانند که تملق و طمع سگان و کلاغان را ندارند و جز از «برادران» خود، از کسی چیزی درخواست نمی‌کنند، هرچند از گرسنگی بمیرند. شیعیان ما آنانند که عقیده و ایده ما را داشته باشند و در راه ما حتی از دوستانشان قطع علاقه کنند و به خاطر محبت ما، دوران را نزدیک سازند و نزدیکان را دور کنند.» (1)

این بخشی از خصوصیات شیعه است که امام محمدباقر (ع) در دوران حیات مبارکشان در جمع یاران بیان کردند. امام پنجم شیعیان در دوران خلفای ظالم اموی دوشنبه یا سه شنبه و یا جمعه اول رجب سال 57 هجری دیده به جهان گشودند، مادر امام باقر(ع) «فاطمه» دختر امام حسن مجتبی (ع) است، از اینرو امام باقر (ع) نخستین علوی و فاطمی به شمار رفته است.

امام باقر(ع) را بدین سبب باقر گفتند که ریشه علوم را شناخت، فرع های آن را استخراج و استنباط کرد، زوایای پنهان علوم را آشکار ساخت، دل زمین دانشها را شکافت و گنج های معارف و حقائق را بیرون آورد و گسترش داد. ایشان رشته های علوم قرآن، الهیات، توحید و تفسیر، کلام، سیره، فنون و آداب، فقه و احکام و حدیث را توسعه بخشید از این رو «محمد بن مسلم» گوید: از او سی هزار حدیث استماع کردم، و «جابر جعفی» گفته است: از امام باقر(ع) هفتاد هزار. در حدیث دیگر پنجاه هزار حدیث شنیدم که آنها را بر هیچ کس حدیث نکردم.

البته این نامگذاری از طرف پیامبر اکرم(ص) به روایت جابر بن عبدالله انصاری صورت گرفته است که ایشان در مورد امام باقر(ع) فرمود: «يَقْرُ الْعِلْمَ بَقْرًا» یعنی علم را به تمام و کمال می شکافد.

پس از رسول خدا، ظاهراً قرآن، به عنوان منبع اصلی شناخت مسایل عقیدتی و عبادی و سیاسی، در جامعه اسلامی باقی ماند، اما از آن جا که این منبع ژرف نیاز به مفسرانی آشنا با پیام وحی داشت و دستهای سیاست، این مفسران واقعی (اهل بیت علیهم السلام) را در جامعه منزوی ساخته بود. با گذشت زمان، نیازهای اعتقادی و پرسشهای عبادی و مسایل مستحدث یکی پس از دیگری رخ نمود و کسانی که در جامعه به عنوان عالم و محدث شناخته می‌شدند، ناگزیر باید جوابی را برای هر پرسش و مسأله تدارک می‌دیدند!

چگونه بنیانگذار دانشگاه تشیع، باعث پیشتازی شیعه شد؟

عدم احاطه کامل آنان بر مجموعه معارف قرآنی از يك سو، و عدم آشنایی آنان با فرهنگ ویژه وحی از سوی دیگر، سبب گردید تا با قیاس و توجیه گری و استحسان و تکیه بر آرای شخصی و گاه احادیث بی‌ریشه و اقوال بی‌اساس، عقیده‌ای را ابراز کرده و یا فتوایی دهند. بنابراین، یکی از راه‌های اساسی مبارزه با این مشکل، بازگرداندن مردم به قرآن و هشدار دادن آنان نسبت به آرای ساختگی و غیر مستند به وحی بود. امام باقر (ع) در این راستا می‌فرمود: «هرگاه من حدیث و سخنی برای شما گفتم، ریشه و مستند قرآنی آن را از من جویا شوید.»

امام باقر(ع) در مجموع دانشگاه تشیع و علوم اسلامی را پایه‌ریزی کردند و امام صادق(ع) آن را ادامه دادند. دوران امامت امام باقر(ع) نقطه عطفی برای استفاده دانشمندان راستین اسلامی از محضر معادن علم الهی و چشمه‌های جوشان دانش و بینش و حیانی بود تا در این عرصه به کسب دانش و معرفت بپردازند.

تزلزل در حکومت اموی و آغاز شکل گیری بنی عباس در دوران حیات امام باقر(ع) و ناتوانی حاکمان در پیاده کردن سیاست‌های تجربه شده بنی امیه مبنی بر اعمال فشار بر شیعیان، موجب ایجاد زمینه مناسب فرهنگی در این عصر شد. می‌توان گفت بنیانگذار علم اصول که هم اکنون در اختیار ماست، باقرالعلوم است.

شیخ مفید در ارشاد می‌نویسد: آن حضرت با آن ویژگیهای علمی و بزرگی، به جود در میان خاصه و عامه مشهور بود و با وجود کثرت عیال و وضعیت متوسط مالیش در کرم و بزرگواری و احسان به همگان معروف بود.

شریف ابو محمد حسن بن محمد از جدم، از ابو نصر از محمد بن حسین، از اسود بن عامر، از حنان بن علی از حسن بن کثیر روایت کرده است که گفت: از نیازمندی خود و بی‌وفایی دوستانم در نزد آن حضرت گلایه کردم، امام (ع) فرمود: «چه بد برادری است کسی که در هنگام توانگری تو را در نظر دارد و به هنگام تنگدستی رابطه‌اش را با تو قطع می‌کند. آن‌گاه به غلامش فرمود: کیسه‌ای بیاور. در آن کیسه هفتصد درهم بود و فرمود: این را خرج کن و چون تمام شد مرا آگاه کن.»

1- حیاة الامام الباقر(ع) ص 249 (به نقل از عیون اخبار الرضا).